

The Concept of Batil and Its Application in Ayatollah Khamenei's Social Thought

Zahra Mansouri *

PhD Candidate at Iran's Quranic Sciences and Teachings University

Atena Bahadori

Member of the academic staff and assistant professor of the Department of Islamic Studies of Al-Zahra University (S).

Abstract

In Ayatollah Khamenei's Quranic studies, Quranic concepts and terms have a determining role and place in complementing the process of Quranic contemplation. Based on this Quranic attitude, reidentifying linguistic features of the Holy Quran is to a large extent- dependent upon the conceptology of Quranic terms. Accordingly, Ayatollah Khamenei's semantic analysis of Quranic terms is a necessity. The broad term of Batil (falsehood) is one of the concepts which has been reidentified in Ayatollah Khamenei's Quranic studies. Elaborating on the method employed by Ayatollah Khamenei in semantology – the term of Batil and the Leader's reasons for the reidentification of this concept have been addressed in this article through an analytical-descriptive method. The result of this research shows that Ayatollah Khamenei's method of studying the terms is based on Quran's collective identity. Based on this method, most of the Quran's verses imply semantic implications and therefore the text of the Holy Book could be a basis of knowledge for elaborating on its own terms. In the Quran, the term Batil is used as the opposite of Haq (truth) which can be used to describe nullified or invalid. Hence, Batil lacks an independent identity and merely can be meaningful when Haq is not present. Conceptual implications used by Ayatollah Khamenei have created strategic propositions in the areas of culture, politics, and society. The value-based principles of this issue in the social arena support the theories of "progress", "resistance" and "power" in the socio-political thought of Ayatollah Khamenei and emphasize the role of epistemological authority of the Quran in the type of governance that he favors.

Keywords: Holy Quran, Ayatollah Khamenei, Semantology, Haq, Batil, Preogress, Resistance, Power.

* Email: z.mansury@gmail.com (Corresponding Author)

رهیافتی به مفهوم «باطل» و کاربرد آن در اندیشه اجتماعی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| زهرا منصوری* | دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
| آتنا بهادری | عضو هیأت علمی و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه الزهراء (س)

چکیده

در مطالعات قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «مفاهیم و اصطلاحات» قرآن از جایگاه تعیین‌کننده‌ای در تکمیل فرایند تدبیر قرآنی برخوردار هستند. در این نگرش قرآنی، بازشناسی سامانه زبانی قرآن کریم تا حدّ زیادی به مفهوم‌شناسی اصطلاحات قرآن وابسته است. بر این اساس تحلیل‌های معناشناسانه آیت‌الله خامنه‌ای از اصطلاحات قرآنی، ضرورت می‌یابد. اصطلاح‌پردامنه «باطل» یکی از مفاهیمی می‌باشد که در مطالعات قرآنی ایشان، مورد بازشناسی قرار گرفته است. تبیین روش آیت‌الله خامنه‌ای در معناشناسی اصطلاح «باطل» و بررسی ادله ایشان در بازشناخت این مفهوم، مسأله‌ای است که این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی توصیفی درصدد پاسخ به آن می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که روش آیت‌الله خامنه‌ای در بررسی اصطلاحات، مبتنی بر هویت جمعی قرآن است. در این روش، جمع آیات قرآن، حاوی دلالت‌های معناشناختی می‌باشد و از این رو متن قرآن کریم پایه‌ای‌ترین منبع برای تبیین اصطلاحات خود قلمداد می‌شود. «باطل» در منظومه معارفی قرآن، مفهوم معارض «حق» و به معنای «ما لاوقوع له» است و آنچه اصحاب لغت و مفسران در معنای باطل بیان کرده‌اند، اغلب یا بیان معانی اعتباری می‌باشد که در تطوّر تاریخی شکل گرفته‌اند یا از باب بیان مصداق است. بر این اساس، باطل فاقد هویت مستقلی است و فقط در نبود حق، جلوه می‌کند. دلالت‌های مفهومی در این موضوع، موجب خلق گزاره‌های راهبردی در سه عرصه کلان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی توسط آیت‌الله خامنه‌ای شده است. مبادی

ارزش‌شناختی این بحث در عرصه اجتماعی، نظریه‌های «پیشرفت»، «مقاومت» و «قدرت» را در اندیشه سیاسی اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای پشتیبانی می‌کند و بر نقش مرجعیت معرفتی قرآن در نوع حکمرانی ایشان تأکید می‌نماید.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آیت‌الله خامنه‌ای، معناشناسی، حق، باطل، پیشرفت، مقاومت، قدرت.

مقدمه

مطالعات و تفاسیر قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حائز خصوصیتی خاص در مبنای، روش‌ها و رویکردها است که ظرفیت آن را دارد تا بتوان از «مکتب تفسیری» آیت‌الله خامنه‌ای سخن به میان آورد. یکی از این خصوصیات، «آشنایی‌زدایی از مفاهیم قرآن» می‌باشد که سابقه آن به سال‌های آغازین اندیشه‌ورزی‌های قرآنی معظم‌له برمی‌گردد. یکی از کارویژه‌های تفسیری ایشان در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی، بازشناسی اصطلاحات قرآنی با هدف نقد و اصلاح «پندارهای عامیانه» از این واژگان بوده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۴۹). در این کارویژه، اصطلاحات «رحم»، «غفران»، «تقوا»، «انفاق»، «ایمان»، «توکل»، «اقامه»، «حق»، «هجرت» و ... مورد بررسی قرار گرفته‌اند و میان معانی قرآنی آن‌ها با پندارها و برداشت‌های رواج‌یافته و عامیانه درباره آن‌ها تفکیک شده است. با توجه به اشتها کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی و اشتغال آن بر واژگان مورد اشاره، تفسیر و ترجمه آیت‌الله خامنه‌ای از این واژگان تا حدودی شناخته شده می‌باشد. اصطلاح «باطل» از واژگانی است که تاکنون پیرامون آن در مکتب تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای بحثی صورت نگرفته است و معظم‌له به‌صورتی اشاره‌وار در یکی از جلسات درس خارج فقه خود به آن پرداخته‌اند، هرچند امتداد مفهومی آن در مجموعه بیانات ایشان قابل‌دست‌یابی و پیگیری می‌باشد. در این مقاله تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای مضمونی، شیوه آیت‌الله خامنه‌ای در بازشناسی معنای «باطل» و رویکرد نقادانه ایشان به آراء مترجمان و مفسران و نیز ادله دیدگاه برگزیده ایشان مورد واکاوی قرار گیرد. بر این اساس مسأله اصلی این پژوهش که در صدد پاسخ‌گویی به آن برآمده است، این پرسش می‌باشد:

- معنای دقیق «باطل» چیست و این معنا مبتنی بر چه ادله‌ای است؟

مسأله‌های پیرامونی و فرعی تحقیق که پاسخ به مسأله اصلی مستلزم پاسخ به آن‌ها می‌باشد،

پرسش‌های ذیل است:

- روش آیت‌الله خامنه‌ای در بازشناسی معنای اصطلاح «باطل» چه مختصات دارد؟
- امتداد و کاربرد مفهومی معنای برگزیده آیت‌الله خامنه‌ای از اصطلاح «باطل» چیست؟

در باره پیشینه این موضوع به‌گونه‌ای که «باطل» در مطالعات قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار گرفته باشد، اثر علمی مستقلی یافت نشده است؛ از این‌رو این پژوهش هم از حیث انتخاب موضوع و هم تأکید بر روش‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای و پرداختن به امتداد مفهومی معنای مختار ایشان از اصطلاح «باطل» به‌خصوص در ساحت اجتماعی، حائز نوآوری است. همچنان‌که بیان شد، روش تحقیق در این مقاله از نوع اکتشافی می‌باشد و بنابراین مقاله حاضر فاقد فرضیه یا فرضیه‌های معینی است.

۱. مفهوم‌شناسی «باطل» در آراء اصحاب لغت

باطل از ریشه «بطل» به‌معنای از بین رفتن چیزی و قَلت ماندگاری آن (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۵۸/۱)، هدر دادن چیزی توأم با زیان (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵۶/۱۱)، عدم ثبات (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۹) و فاسد شدن (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۲/۲) می‌باشد. باطل اسم فاعل از مصدر بطلان و نقیض حق است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۳۱/۷). باطل همچنین بر مواردی چون نفاق، شرک، ابلیس و ... نیز اطلاق شده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۲۲/۵). صاحب‌التحقیق در تعریف باطل، بر مؤلفه‌هایی چون عدم ثبات و واقعیت نداشتن تأکید کرده و باطل را چیزی دانسته که قطعاً از بین می‌رود و محو می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۹۰/۱). مفسران متقدم اغلب بر مصادیق باطل تکیه کرده‌اند. مقاتل بن سلیمان در بعضی موارد باطل را به‌معنای کتمان امر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌توسط یهود دانسته است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱۰۱/۱). ابن‌کثیر اقوالی را از سعید بن جبیر و حسن بصری نقل نموده که مراد از باطل را تخلیط مسیحیت و یهودیت با اسلام عنوان کرده‌اند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۵۰/۱). شیخ طوسی ضمن بیان معانی لغوی باطل، معاصی را به‌عنوان یک مصداق آن بیان نموده است (طوسی، بی‌تا: ۲۹۰/۹). طبرسی در مجمع‌البیان، باطل را با اوصافی چون «ذاهب و هالک» و چیزی که «لا ثبات له» توصیف کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۷۲/۶). زمخشری نیز با همین وصف به تعریف باطل پرداخته است (زمخشری، ۶۸۹/۲). از مجموع آراء اهل لغت و مفسران در تبیین معنای باطل، دو مؤلفه عمده به‌دست می‌آید: نخست ناظر به ماندگاری باطل و دیگری شناخت باطل از طریق معارض آن. بر این اساس ناپایداری و زوال، طبیعت باطل و سرنوشت قطعی و قهری آن است و از طرفی حمل اصطلاح باطل بر مواردی چون نفاق، شرک و ... نیز می‌تواند مبتنی بر شناخت مفاهیم مقابل آن‌ها یعنی توحید، ایمان و ... باشد که در ادبیات دینی به‌عنوان امور حقی از آن‌ها تعبیر شده است که سرانجام فراگیر و غالب خواهند شد.

۲. تقریر روش و دیدگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای از معنای «باطل»

معناشناسی باطل در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تفاوت‌هایی در روش و تبیین معنای باطل با دیگر آراء مفسران و لغویون دارد.

۲-۱- مجموع‌نگری به آیات در تبیین اصطلاحات

ایشان در مفهوم‌شناسی واژه «باطل» ضمن توجه به آراء اصحاب لغت، ترجیح را به شیوه تدبیری در چهارچوب معارفی قرآن داده‌اند. یکی از فنون تفسیری معظم‌له که نخستین گام تفسیر آیات توسط ایشان قلمداد می‌شود و در همه تفاسیر انتشاریافته هم به چشم می‌خورد، معناشناسی و تبیین اصطلاحات آیات به نحو دقیق است. آیت‌الله خامنه‌ای در این حوزه، شیوه خاصی دارند که بارها بر آن تأکید ورزیده‌اند. مطابق دیدگاه ایشان برای فهم مفاهیم قرآنی باید در مرتبه اول به موارد کاربرد آن‌ها در خود قرآن رجوع کرد و دانش لغوی در این حوزه بر خود قرآن رجحانی ندارد. در مراجعه به موارد کاربرد اصطلاحات در قرآن نیز توجه به مفاهیم هم‌نشین، کمک شایانی به تبیین معنای اصطلاح مورد نظر می‌کند؛ کم‌اینکه آیت‌الله خامنه‌ای در بررسی موارد مستعمل باطل در آیات، به اصطلاحات هم‌نشین آن دقت کرده‌اند. در مواضع متعددی از تفسیر سوره برائت تصریح نموده‌اند: «مکرر گفته‌ایم که در این موارد باید بیش‌تر دقت کرد تا واژه‌های اسلامی را درست بفهمیم. راه درک صحیح معانی لغاتی چون کافر، مشرک و ظالم، مراجعه به موارد کاربرد آن در آیات است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۲۲ و ۲۹۴ و ۳۶۶ و ۳۸۴). ایشان در تبیین معنای «صراط مستقیم» در سوره حمد، این‌طور توصیه می‌نمایند: «اگر دل‌تان خواست و حال تأمل و تدبّر داشتید، به المعجم المفهرس مراجعه کنید و موارد استعمال صراط مستقیم را پیدا کنید، بعد بروید به قرآن مراجعه نمائید، آن آیاتی را که این جمله در آن آمده، بیش‌تر تدبّر کنید تا نورانیت بیشتری در ذهن و دل شما به وجود بیاید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۱۱). در تبیین معنای باطل نیز همین روش توسط ایشان به کار گرفته شد: «مراد از باطل چیست؟ یک حرف، حرف لغویین است که ببینیم باطل را به چه معنایی می‌گیرند؟ بعد ببینیم در استعمالات قرآنی از مجموع ده‌ها موردی که کلمه باطل در قرآن به کار رفته است، محصل و مستحصل از این‌ها چیست؟ وقتی که در قرآن، باطل گفته می‌شود، از آن چه چیز اراده می‌شود؟» (بیانات در درس خارج فقه، ۱۳۸۳/۱۰/۲۱). ایشان پس از بررسی و بیان آراء کتب لغت و نیز بررسی همه آیات حامل اصطلاح باطل، در نهایت معنای مستفاد از آیات را ترجیح می‌دهد و همان را به‌عنوان معنای مورد نظر قرآن بر می‌گزیند.

۲-۲- باطل و هویت وابسته آن

آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه بیان پیش، به تبیین معنای باطل می‌پردازد: «آنچه معنای اصلی است در «بَطْل»، معنای نابودی و هلاک و نبودن شدن می‌باشد. معنای باطل در اصل این است. بعد البته معانی حاشیه‌ای که در واقع معانی بالعنایه هستند که به تدریج صورت حقیقت به خودشان گرفتند، همه این‌ها در حال حاضر معنای حقیقی‌اند، نمی‌شود گفت آنچه اهل لغت ذکر می‌کنند، معنای مجازیند؛ از این‌رو به لغت که مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم باطل به معنای ذهاب الشیء، ضیاع الشیء، ضایع شدن، گم شدن، خسران، زوال، فساد، قَلت مکث، چیزی که یک لحظه‌ای هست و بعد نیست و دوامی ندارد، آمده است. این، آن معنای ای می‌باشد که در لغت است. در کلمات مفسران کلمه باطل، قریب همین معنای لغوی تفسیر شده است؛ چون در قرآن کریم در سی و چند مورد کلمه باطل آمده است. مفسران قدیمی مانند ابن عباس و قتاده تا مفسران که بعداً آمده‌اند، یک‌جا باطل را به شیطان معنا کردند، یک‌جا باطل را به شرک معنا نمودند، یک‌جا به بُهتان، یک‌جا به کذب و از این قبیل. برای مثال در آیه شریفه «لا تلبسوا الحقَّ بالباطل» (بقره، ۴۲) حق را به قرآن و باطل را به تورات و انجیل یا کتب محرّفه تفسیر کردند. اغلب مصادیق را ذکر نمودند. لکن آن چیزی که ما با ملاحظه چندین آیه قرآنی به دست می‌آوریم، یک سخن جمع‌بندی شده است که این را عرض می‌کنیم. اگر انسان بی‌دقت به این حرف نگاه کند، به نظر یک حرف خطابی و منبری می‌آید، اما اگر در این حرف دقت شود، یک حرف استدلالی و منطقی است. این جمع‌بندی‌ای که از معنای باطل در قرآن به نظر انسان می‌رسد، این در این آیه مورد بحث ما هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، در بقیه مواردی هم که کلمه باطل آمده است: «لِيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ وَيُبْطِلِ الْبَاطِلَ» (انفال، ۸) و موارد زیادی که حق و باطل مقابل هم آمدند، در آنجاها هم می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. آنچه در مجموع فهمیده می‌شود، این است که: باطل در قرآن، مقابل حق است. همه‌جا مقابل حق و ضدّ حق شناخته شده است. حق یعنی چه؟ حق یعنی ما هو کائن، ما هو واقع، ما هو ثابت، آنچه هست، آن را حق می‌گویند؛ یعنی واقعیت. باطل بنا بر این، یعنی ما لا وقوع له، ما لا ثبات له، وجود ندارد، حقیقت ندارد، واقعیت ندارد. این، معنای باطل است در قرآن» (بیانات در درس خارج فقه، ۱۳۸۳/۱۰/۲۱).

کاملاً روشن است که ایشان در بررسی آیات، کلمات هم‌نشین معارض را - که در اینجا حق مفهوم معارض باطل است - شناسایی کرده‌اند و از طریق معناشناختی آن‌ها، به تبیین معنای باطل پرداختند. آیت‌الله خامنه‌ای البته ضمن تأکید بر اینکه باطل فاقد هویت مستقل و فاقد واقعیت است و لبّ معنای آن را همان «ما لا وقوع له» می‌دانند، هویت باطل را هویتی وابسته به حق ترسیم می‌کنند. از

این نظر، اساساً حضور باطل یعنی فقدان حق و تنها زمانی جلوه و ظهور می‌یابد که حق ظهور و تحقق نداشته باشد. ایشان به این مطلب در موضع دیگری این‌طور تصریح کرده‌اند: «گمان نکنید که اگر باطل به‌خاطر زوال‌پذیری‌اش از بین رفت، حق به‌خودی‌خود و بدون تلاش، در دنیا علم خواهد شد، ابداً! باطل دیگری سر جایش می‌آید؛ مگر آن وقتی که حق، خود را آن‌چنان که هست، عرضه کند» (بیانات در ۱۳۷۰/۱۰/۰۵). این ظرافت معنا در معناشناسی باطل، یک مبدأ و مبنای ارزش‌شناختی در اندیشه سیاسی و اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفته است که در ادامه مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲-۳- استعاره از سحر در تبیین معنای باطل

آیت‌الله خامنه‌ای در بحث مهمی راجع به تبیین تفاوت‌های معجزه و سحر، پای مفاهیم حق و باطل را به‌میان می‌کشد که دلالت بسیار روشنی در شناخت باطل دارد. در این بیان ایشان در واقع سحر را گونه‌ای از باطل و معجزه را گونه‌ای از حق قلمداد کرده است که می‌توان با استعاره از دو اصطلاح معجزه و سحر، عمق معانی حق و باطل و تفاوت‌های بنیادین آن‌ها را در اندیشه ایشان به‌دست آورد: «معجزه عبارت از ارائه يك حقیقت و يك واقعیتی است که بیننده، از آن واقعیت فقط خود آن پدیده را می‌بیند و از علل آن خبر ندارد و از این‌رو قادر بر این نیست که آن علل را بشناسد. اما سحر، ارائه يك خیال و يك توهم است که به‌صورت واقعیت نشان داده می‌شود... آن عصای حضرت موسی علیه‌السلام، عصا بود و تبدیل به ازدهای حقیقی شد و یا عصا را وقتی به سنگ زد، آن سنگ حقیقتاً شکافته شد و از آن دوازده چشمه جوشان آب بیرون آمد... و هیچ توهمی برایش وجود نداشت... اما سحر مانند آن ریسمان‌ها و عصاهای سحره فرعون است که آمدند، انداختند و وقتی آن عصاها و ریسمان‌ها را روی زمین ریختند، کسانی که مشاهده می‌کردند، به‌نظرشان می‌رسید آن ریسمان‌ها و عصاها دارند حرکت می‌کنند، درحالی‌که در واقع حرکت نمی‌کردند، لکن تأثیر سحر آن ساحر در چشم بینندگان حرکت ریسمان‌ها را تداعی می‌کرد، و از این‌رو قرآن می‌گوید: «يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» بر اثر سحر آن ساحران، آن‌ها به خیال‌شان می‌رسید که این‌ها دارند حرکت می‌کنند... پس معجزه يك واقعیت و يك حقیقت است و سحر يك امر خیالی باطل و يك امر دروغین است... پدیده ناشی از معجزه، يك پدیده واقعی و يك پدیده حق و آن چیزی است که وجود او حقیقت دارد، دروغ نیست، اما آن پدیده‌ای که ناشی از جادو و سحر است، او يك ناحق و غیرواقع است که در تعبیر قرآنی به او باطل می‌گویند» (بیانات در ۱۳۷۱/۰۲/۳۰). در این استعاره مفهومی، جلوه‌گری سحر که خیالی بیش نیست و سهمی از واقعیت ندارد، وابستگی تامی به ظهور

معجزه دارد؛ سحر به‌عنوان یک امر خیالی و غیرواقعی، تنها زمانی جلوه دارد و به‌سوی خود جلب می‌کند که معجزه‌ای تحقق نیافته باشد، اما به‌محض اینکه معجزه به‌عنوان یک امر واقعی و حق اتفاق بیفتد، سحر به‌خودی‌خود محو و غیرواقعی بودن آن آشکار می‌شود.

۳. مؤیدات قرآنی در معناشناسی باطل

آنچه آیت‌الله‌خامنه‌ای در تبیین معنای باطل بر آن تأکید ورزیده‌اند، مبتنی بر بررسی آیاتی است که حامل اصطلاح باطل هستند. در این آیات، مؤلفه‌هایی چون اصطلاحات هم‌نشین، معارض، سیاق آیات و ... در تبیین معنای اصطلاح موردنظر، ایفای نقش می‌کنند. «باطل» در ۳۴ آیه از قرآن کریم به‌کار رفته است که در مواردی، دلالت واضح در معنایی دارد که آیت‌الله‌خامنه‌ای برگزیده‌اند. دال مرکزی نظریه آیت‌الله‌خامنه‌ای در معنای باطل، غیرواقعی بودن باطل است که هویت وابسته آن یکی از دال‌های شناور حول این دال مرکزی محسوب می‌شود. پس در این دیدگاه، باطل یک امر غیرواقعی است که هویتی از خود ندارد و به‌محض وقوع حق، محو و زائل خواهد شد. در آیه ۱۱۸ سوره اعراف، این ظرافت معنایی کاملاً گویا بیان شده است. این آیه که اشاره به ظهور معجزات حضرت موسی علیه‌السلام در برابر سحر ساحران دارد، این واقعه را این‌طور روایت و جمع‌بندی می‌کند: «فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: پس حق واقع شد و آنچه می‌کردند، باطل شد». در این آیه شریفه، تقابلی معنایی «وَقَعَ» با «باطل» یا به‌عبارت دیگر، تقابلی معنایی «وقوع حق» با «باطل» روشن است. بر این اساس، محو باطل به‌خودی‌خود صورت نمی‌گیرد و زوال آن وابسته به حقی می‌باشد که واقع شود. آیه ۴۹ سوره سبأ نیز بر همین معنا دلالت می‌کند: «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ مَا يُبَدِّئُ الْبَاطِلُ وَ مَا يُعِيدُ: بگو حق آمد و باطل نه می‌تواند چیزی را به‌وجود آورد و نه می‌تواند برگرداند». هرچند باطل هویتی وابسته دارد و صرفاً در کنار حق است که مجال ظهور می‌یابد، اما مطابق این آیه، با ظهور حق، نه باطل کهنه و نه باطل نو مجال جلوه و حضور نمی‌یابند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۳۹). علامه طباطبایی ذیل همین آیه، معتقد است عبارت‌های به‌کار رفته درباره باطل کهنه و نو، یک عبارت کنایی و کنایه از این است که آمدن حق، چنان باطل را ساقط کرده که از اصل به‌کلی از اثر افتاده است: «فهو كناية عن بطلان الباطل و سقوطه عن الأثر من أصله بالحق». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۹/۱۶). آیت‌الله‌خامنه‌ای نیز ناظر به آیه مورد بحث، این زوال و نیستی را طبیعت باطل می‌داند: «حق وقتی که آمد، باطل به‌طور طبیعی، به‌خود می‌لرزد» (بیانات در ۱۳۹۷/۱۰/۱۹). حضرت امام خمینی (ره) در بیان دقیقی، همین معنا را مورد تأکید قرار داده‌اند و از اُمت اسلامی درخواست می‌کنند که راه برچیده شدن باطل از جامعه، احقاق و وقوع حق است: «اگر حق آمد،

باطل خودبه‌خود زاهق خواهد شد. ما باید کوشش کنیم که از خودمان گرفته تا برادرهای اسلامی و برادرهای دینی خودمان در همه کشورهای اسلامی، به حق توجه نمائیم و حق را پیاده کنیم. مجرد حرف نباشد که ما فقط يك شعاری بدهیم که حق آمد و باطل رفت. آمدن حق شعار نیست، آمدن حق عمل است، آمدن حق نشان دادن به حسب اعتقادات و اخلاق و اعمال است، پیاده کردن همه احکام الهی است. اگر احکام الهی در يك ملت پیاده بشود، باطل از آن ملت کوچ می‌کند و اگر در همه ملت‌های اسلامی، احکام الهی - اخلاقی که سفارش شده است، اخلاق انسانی، عقاید ایمانی پیاده بشود، خود به خود باطل زاهق می‌شود... باید توجه داشته باشند که مفاد این آیه شریفه جاء الْحَقُّ را متحقق کنند تا باطل خود به خود از بین برود» (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۶۳). بنابراین آیات قرآنی دلالت روشن دارند بر اینکه باطل، نخست یک مقوله غیر واقعی است و دوم، اگر جلوه‌ای هم دارد، این جلوه نه به‌خاطر هویت خود می‌باشد، بلکه به‌سبب عدم تحقق و ظهور حق است و سوم، ظهور و وقوع حق، به‌طور طبیعی باطل را محو و از صحنه خارج می‌کند.

۴. امتداد مفهومی باطل در اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای

یکی از مسائل مهم در مطالعات قرآنی، مرجعیت معرفتی قرآن و اثرگذاری آن در مبادی ارزش‌شناختی است. این مبادی ارزش‌شناختی می‌تواند در حوزه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، تربیتی و... تعریف و ترسیم شود و مبتنی بر مرجعیت معرفتی قرآن، گزاره‌هایی را در هریک از این حوزه‌ها خلق کند. مرجعیت معرفتی قرآن یکی از اصلی‌ترین خصوصیات اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است؛ به‌نحوی که برای بسیاری از نظریات و گزاره‌های ایشان در عرصه‌های وسیع اجتماعی، می‌توان مستندی در قرآن کریم یافت. این مستند می‌تواند آیه یا آیات معینی از قرآن با روح حاکم بر آیات قرآن باشد. ایشان در تفسیر سوره مجادله، این مرجعیت معرفتی را یکی از ویژگی‌های رهبران دینی بیان کرده است: «... پاسخ‌ها و حل‌ها [ی رهبر اسلامی باید] متکی به قرآن باشد؛ حالا یا متکی به یک آیه به‌خصوص یا یک جای به‌خصوص قرآن، یا متکی به روح قرآن و کلیات قرآن» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ۲۵). بنابراین می‌توان توقع داشت که نخست، گزاره‌های مطرح توسط ایشان، ابتدای قرآنی داشته باشند و دوم، ایشان با استفاده از دلالت‌ها و تأملات قرآنی به خلق گزاره‌هایی در عرصه‌های مختلف اقدام کرده باشند. در این صورت، پس از استخراج دیدگاه تفسیری ایشان درباره باطل و ابعاد پیرامونی آن، باید دنبال گزاره‌هایی در اندیشه و بیانات ایشان بود که ماحصل چنین تفسیری از «باطل» است. این گزاره‌ها به‌عنوان امتداد و کاربردی اصطلاح باطل در اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای عمل می‌کنند.

۴-۱- امتداد و کاربست فرهنگی

در حوزه فرهنگ، یکی از چالش‌های کلان همواره این بوده که نوع مواجهه با اقدامات فرهنگی چگونه باید باشد؟ طبیعتاً کارها و اقدامات فرهنگی یک سنخ و یک‌گونه نیستند تا نوع واکنش به آن‌ها نیز گونه یکسانی باشد، با این حال در حوزه بیان که عنصر غالب در عرصه فرهنگ است، موضع اصلی و اولی آیت‌الله خامنه‌ای یک موضع کاملاً فرهنگی و مبتنی بر معرفت قرآنی ایشان نسبت به معنا و رابطه حق و باطل می‌باشد. ایشان در برابر موضعی که قائل به برخورد سخت با بیان مخالف و منتقد است، این روش را معارض با فرهنگ قرآن می‌دانند و با استناد به نسبت میان حق و باطل، چنین می‌گویند: «گرفتن و بستن، راه مقابله با حرف باطل نیست؛ بلکه راه مقابله با حرف باطل، گفتن حرف حق است؛ همین! ... کسی که زبان باز و دل روشن و مغز فعال دارد، می‌تواند مقابل تهاجم فرهنگی را بگیرد؛ با چه؟ با سنگر فرهنگی، با حصار فرهنگی و با سلاح دور زن فرهنگی. ابزار فرهنگی لازم است. این است که ما به کسانی که اهل کار فرهنگی‌اند، دائم می‌گوئیم، به بعضی تکرار می‌کنیم، به بعضی التماس می‌کنیم، بعضی را در این‌جا جمع می‌کنیم و به بعضی پیغام می‌دهیم که «آقا! کار فرهنگی بکنید.» جواب کار فرهنگی باطل، کار فرهنگی حق است» (بیانات در ۱۳۷۳/۰۶/۰۱). این گزاره فرهنگی که از دل آن، تصمیم و اقدام و راهبرد در سطح کلان اتخاذ می‌شود، کاملاً قرآن‌بنیان و متخذ از معرفت قرآنی است که آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به هویت باطل و رابطه آن با حق دارند. طبیعی است وقتی ظهور حق به زوال طبیعی باطل منجر می‌شود، کار فرهنگی باطل زمانی مؤثر واقع می‌گردد که کار فرهنگی حق صورت نگرفته باشد و بی‌تأثیری آن نیز وابسته به گسترش کار فرهنگی حق است. ذیل این گزاره فرهنگی کلان، بسیاری از خرده‌گزاره‌های فرهنگی قرار می‌گیرند. یکی از این خرده‌گزاره‌ها، «تبیین» است. تأکید ایشان بر مؤلفه «تبیین» در مواجهه با حجم انبوه تحریف‌ها از سوی جبهه باطل، از همین مبنا ناشی می‌شود: «در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام‌نگار داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به‌خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است» (بیانات در ۱۴۰۰/۰۷/۰۵). تلاش آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه فرهنگ، کاملاً نمودار ظهوریافتگی حق می‌باشد و درصدد آن است که همه ظرفیت‌ها و ابزارهای فرهنگی جبهه حق را فعلیت ببخشد تا از این طریق، عرصه بر ظهور و بروز و تأثیرگذاری باطل تنگ شود. آنچه از مبادی ارزش‌شناختی ایشان در عرصه فرهنگ پیدا است، فعلیت‌بخشی به ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی حق می‌باشد؛ چه

اینکه معتقدند باطل هیچ هویت و تشخیص مستقلی از خود ندارد و اگر بروزی هم دارد، به سبب خلانی است که از عدم وقوع و تحقق حق ناشی شده است.

۴-۲- امتداد و کاربست سیاسی

تحقق حکومت اسلامی و امتداد آن، مبتنی بر این عقیده بوده که اساساً نظام تکوین براساس حق بنا نهاده شده است و تمامی اجزای عالم هستی، هماهنگ با این حق مداری پیش می‌رود و به رشد خود ادامه می‌دهد؛ بر این اساس حکومت و نظامی که بر این مدار حرکت کرده باشد، حتماً به رشد مطلوب خود و غلبه بر آنچه برخلاف جریان عمومی خلقت سیر می‌کند، خواهد رسید. آیت‌الله خامنه‌ای در بیان فلسفه انقلاب اسلامی و ضمانت تداوم و پیروزی آن، به همین قاعده استناد کرده‌اند: «این نظام، یکی از بزرگ‌ترین خاصیت‌هایش، مقابله با استکبار و تفرعن قدرت‌های مستکبر عالم است. نظام اسلامی، در مقابل زورگویی هیچ قدرتی، یک لحظه کوتاه نخواهد آمد. ما می‌دانیم که چون عدل و حق، جریان اصلی و طبیعی عالم وجود است و حرکت موجودات و همه اجزای عالم و رشد همه سلول‌های موجود زنده و حرکت همه مولکول‌های اشیا و اجسام در جهت حق است؛ رشد غیرحق، رشد باطل و رشد سرطانی است و محکوم به فناست. بنابراین هر حرکتی که براساس داعیه حق باشد و تلاش و مجاهدت پشت سر آن باشد، آن پیروز خواهد شد. از این رو ما که ادعا می‌کنیم و می‌گوئیم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، بالاخره مستکبران را از تحت تفرع‌شان به خاک خواهند کشید، بر این اساس یعنی قاعده و قانون عالم آفرینش حرف می‌زنیم» (بیانات در ۱۳۷۶/۰۶/۱۹). هر چند آیت‌الله خامنه‌ای پیروزی نهایی را از آن جبهه و نظام حق می‌داند و جریان باطل را محکوم به فنا، دقت به کلیدواژه‌ها و قیودی چون «تلاش و مجاهدت» معلوم می‌دارد که این غلبه و حاکمیت به‌طور خودبه‌خودی رخ نمی‌دهد و نیازمند فعلیت حق است و این فعلیت جز با تلاش و مجاهدت صورت نمی‌گیرد. ایشان در بیان صریح دیگری با اشاره به تجربه حوادث صدر اسلام و تجربه انقلاب اسلامی ایران چنین می‌فرماید: «هرجایی که گروهی از انسان‌های مؤمن این کار را کردند، کلمه خدا پیروز شد. هرجایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون بروبرگرد، کلمه باطل پیروز شد. در انقلاب، بندگان مؤمن خدا که این ایثار و گذشت را کردند، انقلاب پیروز گردید. کاری شد که هیچ تحلیل‌گری پیش‌بینی نمی‌کرد که بشود؛ یعنی اقامه حکومت اسلام، حکومت دین ... چون جمع برگزیده و گروه زیادی از مؤمنان، نمی‌گوئیم همه خود را نادیده گرفتند ... هرجایی که این گذشت نبود، مثل آنجایی که نیست؛ مثل در طول تاریخ که نیست؛ مثل دوران امام حسین علیه الصلوة و السلام که اکثریت قاطع زبندگان و خواص و مؤمنان شانه خالی کردند و ترسیدند و عقب رفتند، کلمه باطل پیروز شد، حکومت یزید سر کار آمد، حکومت بنی امیه نود سال

سرکار آمد، حکومت بنی عباس پنج، شش قرن سرکار آمد و ماند» (بیانات در ۱۳۷۶/۰۲/۱۷). قید مجاهدت، تلاش، گذشت و ...، دقیقاً مبتنی بر همان ظرافت معنایی است که ایشان در معناشناسی باطل بر آن تأکید ورزیده‌اند و محو باطل را وابسته به «وقوع و تحقق حق» ذکر کردند و آیات قرآن کریم نیز بر آن دلالت داشته‌اند. مرجعیت قرآنی انگاره غلبه نهایی حاکمیت حق بر جریان باطل، از آیه ۱۸ سوره انبیاء فهمیده می‌شود. آیه شریفه می‌فرماید: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» نه، بلکه با حق بر باطل می‌کوبیم تا آن را درهم شکنند، پس ناگهان باطل نابود شود و وای بر شما از آنچه توصیف می‌کنید». این آیه پیروزی نهایی حق را اراده خداوند و مبتنی بر نظام آفرینش بیان می‌کند (قرآنتی، ۱۳۸۳: ۴۳۶/۷). آیت‌الله خامنه‌ای در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، همین آیه را مبنایی برای انحصار قانون‌گذاری و اداره جامعه به خداوند متعال دانسته و هر حرکت سیاسی مخالف با جریان رسالت را باطل و نابودشدنی تلقی کرده‌اند: «این راه حق، این طریقه صحیح، این طریقه فطری و سرشتی انسان و جهان، این بالاخره بر باطل پیروز خواهد شد. بلکه پیروز می‌گردانیم حق را بر باطل. پروردگار عالم مالک آسمان است، مالک زمین می‌باشد، حاکم بر تمام اقطار عالم وجود اوست، پس در زندگی انسان‌ها هم او باید حکم‌فرمایی کند. در نظام زندگی بشر هم او باید قانون بدهد، او باید اداره کند، او باید تدبیر نماید؛ پس کسانی که در مقابل انبیا ادعای حکومت، قدرت و سلطه می‌کردند، بر باطل بودند و محکوم به نابودی‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۳۸۵). بنابراین «غلبه نهایی حق بر باطل» یکی از مبادی مهم ارزش‌شناختی آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه سیاسی است که مبتنی بر آن، هم مجاهدت برای تحقق و تداوم حاکمیت سیاسی اسلام ضرورت و وجاهت می‌یابد و هم نتیجه‌بخشی قطعی این حرکت در برابر هر جریان باطلی فهمیده می‌شود.

۴-۳- امتداد و کاربست اجتماعی

یکی از عرصه‌های مهم در بازتولید گزاره‌هایی مبتنی بر شناخت دقیق از معنای حق و باطل و نسبت میان آن‌ها، عرصه اجتماعی است که گزاره‌های فراوانی در این عرصه می‌توان در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای یافت. در این مقاله، به سه گزاره اساسی که بسامد بالایی در بیانات ایشان دارند، اشاره می‌شود و مرجعیت قرآنی آن‌ها مورد تبیین قرار می‌گیرد. این سه گزاره با شناسه «پیشرفت»، «قدرت» و «مقاومت» تحلیل می‌شوند:

۴-۳-۱- پیشرفت (امکان و ضرورت پیشرفت)

پیشرفت یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است که خود می‌تواند کلید فهم بسیاری دیگر از گزاره‌ها در این اندیشه باشد. این اصطلاح در اندیشه ایشان، همه‌جانبه است و همه ساحات حیات اعم از فردی و اجتماعی یا معنوی و مادی را دربرمی‌گیرد، اما آنچه در اینجا مورد توجه و تأکید است، پیشرفت اجتماعی می‌باشد. پیوند کلیدواژه «سنت‌های الهی» به مفاهیم حق و باطل، یکی از مبادی ارزش‌شناختی آیت‌الله خامنه‌ای را تشکیل می‌دهد که مبدأ تولید گزاره‌های مهمی در نظریه پیشرفت شده است. از این نظر سنت‌های الهی مانند نصرت و معیت الهی، در واقع سنت‌های کمک‌کننده و تقویت‌کننده حرکتی می‌باشد که بر مدار حق شکل گرفته باشد. در این دیدگاه، «باطل» در معنای وسیع خود، به مثابه مانعی در مسیر پیشرفت جامعه اسلامی عمل می‌کند و نظام دینی در صورتی که بتواند سنت‌های نصرت و معیت الهی را جلب نماید، حتماً بر این مانع غلبه می‌یابد و به پیشرفت‌های گوناگون دست پیدا می‌کند. ایشان پیشرفت‌های انقلاب اسلامی را در همین سیاق مطرح کرده‌اند: «این را ما یقین داریم که در این کارزاری که بین حق و باطل، امروز راه افتاده است - کارزار بین اسلام و معارف اسلامی و بیداری اسلامی از یک سو، و طمع‌ورزی‌های استکباری سیاست‌های شیاطین عالم و در رأس آن‌ها شیطان بزرگ یعنی دولت امریکا از یک طرف دیگر - پیروزی با ماست؛ پیروزی با طرف حق است. در این، هیچ تردیدی وجود ندارد. همه قرائن این را نشان می‌دهند و تأیید می‌کنند. طبیعت سنن الهی هم همین است؛ یعنی غیر از این معنی ندارد. آن گروهی که طرفدار حق‌اند، اگر بایستند و اقدام کنند، شکی نیست که بر باطل پیروز خواهند شد. سنت‌های الهی در جهت تقویت حق است و انتظار طبیعی از جریان سنن الهی در تاریخ، اقتضاء این را دارد. ما هم داریم به تجربه این را مشاهده می‌کنیم. اگر امروز نشاط و حرکت اسلامی در دنیا با بیست سال پیش مقایسه شود، ملاحظه خواهد شد که به مراتب، به اضعاغ مضاعف نسبت به بیست سال قبل، این حرکت نشاط بیش‌تری دارد و پیشرفت بیش‌تری کرده است. خصوصاً جمهوری اسلامی را اگر نگاه کنید - امسال را با بیست سال پیش ملاحظه کنید - می‌بینید جمهوری اسلامی در همه ابعاد پیشرفت‌های محیرالعقولی کرده است» (بیانات در ۱۳۸۶/۰۵/۲۸).

آیه شریفه «وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يَحِقُّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ: و خدا باطل را محو می‌کند و حق را با کلمات استوارش پابرجا می‌سازد. یقیناً او به نیات و اسرار سینه‌ها داناست» (شوری، ۲۴) مؤید همین معنا است؛ این آیه تقویت جریان حق را به‌عنوان یک سنت عمومی مطرح نموده است. علامه طباطبایی با تکیه بر صیغه مضارع در فعل «یصح» و فعل «یحق» بیان می‌دارد که این افعال، دلالت بر استمرار این سنت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۰/۱۸). یکی از لطائفی که

می‌توان از تقدم امحاء باطل بر احقاق حقّ در آیه شریفه برداشت کرد، این است که اساساً باطل به‌عنوان مانع بر سر راه پیشرفت حقّ مطرح است و استمداد از سنت‌های الهی و سیر بر مدار حقّ، در حقیقت از مسیر پیشرفت و حرکت مانع‌زدایی می‌کنند. یکی دیگر از گزاره‌های مهم در حوزه پیشرفت که آیت‌الله‌خامنه‌ای بر آن تأکید نموده، تناسب دین و پیشرفت است: «غریب‌ها پایه کار خودشان را بر دین‌زدایی قرار داده بودند و می‌گفتند با دین نمی‌شود جلو رفت؛ شما این را باطل کردید. معلوم شد دین نه فقط مانع پیشرفت نیست، بلکه تشدیدکننده نیرو و تقویت‌کننده حرکت به سمت جلوس» (بیانات در ۱۳۸۵/۰۸/۱۷). بنابراین نخست امکان پیشرفت، دوم ضرورت پیشرفت برای محو باطل و سوم ضرورت التزام به حقّ برای جلب سنن الهی و تقویت پیشرفت از مهم‌ترین گزاره‌هایی هستند که در اندیشه اجتماعی آیت‌الله‌خامنه‌ای مبتنی بر مرجعیت معرفتی قرآن کریم قابل‌رهگیری هستند.

۴-۳-۲- قدرت (لزوم قوی شدن و بازیابی قدرت)

باطل زوال‌پذیر و محوشدنی است، اما این زوال بستگی به میزان ظهور و فعلیت حقّ دارد. این اندیشه ضرورت بازیابی قدرت و قوت توسط جبهه حقّ را در اندیشه آیت‌الله‌خامنه‌ای پشتیبانی می‌کند. شاید بتوان دال مرکزی فعلیت حقّ را در قوی شدن و بازیابی قدرت جبهه حقّ قلمداد کرد. به هر میزان جبهه حقّ بر قوت و قدرت خود بیافزاید، جلوه و گستردگی باطل نیز رو به اضمحلال و افول می‌رود. آیت‌الله‌خامنه‌ای، شرط مواجهه با دشمن را قدرت‌مندی عنوان کرده‌اند: «این را هم فهمیده‌ایم که اگر بخواهیم مسلمان زندگی کنیم، باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از خودمان و از هدفمان و از عقایدمان در مقابل دشمن دفاع کنیم... پس حرف ما حق است. پای این حق هم ایستاده‌ایم. این را هم معتقدیم که آن‌وقتی که حق با باطل درگیر و روبه‌رو شود، اگر اصحاب حق راست بگویند پای حق بایستند، قطعاً باطل شکست خواهد خورد» (بیانات در ۱۳۸۸/۱۱/۰۶). آیت‌الله‌خامنه‌ای قرآن را مرجع چنین منطقی بیان نموده‌اند: «کشور بایستی قوی بشود؛ قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید» (بیانات در ۱۳۹۹/۰۱/۰۳). تأکیدات ایشان بر افزایش اقتدار کشور در حوزه‌های اقتصادی، علمی، دفاعی و... همه در جهت قوی‌تر شدن جبهه حقّ می‌باشد.

۴-۳-۳- مقاومت

یکی از مفاهیمی که می‌توان صورت جامعی از آن را به‌عنوان یک نظریه در اندیشه آیت‌الله‌خامنه‌ای مورد تحقیق قرار داد، مقاومت است. ایشان خود از این مفهوم به‌عنوان یک نظریه یاد کرده‌اند

و بارها از نخبگان جامعه خواسته‌اند که به تبیین این نظریه بپردازند. مطالعه بخشی از بیانات ایشان، معلوم می‌دارد که نظریه مقاومت، پیوند وثیقی با مفهوم باطل و رابطه آن با حق دارد. آیت‌الله خامنه‌ای مقاومت را ترجمان صبر در ادبیات قرآنی می‌داند و بین این مفهوم با بردباری و حلم تفکیک می‌کنند. از نظر ایشان، عنصر حرکت و عدم توقف، در تعریف مقاومت پنهان است: «معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف نماید و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است» (بیانات در ۱۳۹۸/۰۳/۱۴). بر این اساس، سخن از مقاومت به معنای عدم توقف و حرکت روبه‌جلو در مسیر حقیقی است که با موانعی مواجه می‌باشد. در نظام فکری ایشان، یک بخش مهم از منطق مقاومت به این برمی‌گردد که اساساً چون حرکت جریان حق به پیروزی منتهی می‌شود و سرانجام باطل محو می‌گردد، پس مقاومت در مسیر حق توجیه‌پذیر است: «عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخش قرآنی وعده الهی است. خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرفداران حق، پیروز نهایی‌اند» (بیانات در ۱۳۹۸/۰۳/۱۴). در قرآن کریم، مقاومت اغلب با کلیدواژه «صبر» تبیین شده است. خدای متعال در موارد متعدد و به شیوه‌های مختلف، صبر و مقاومت را گاهی از شخص حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و گاهی به‌طور عمومی از همه امت اسلامی مطالبه کرده است. آنچه از آیات الهی به‌دست می‌آید، کاملاً به نوع بحث راجع به حق و باطل سازگار و منطبق می‌باشد. قرآن کریم در مقام الزام امت اسلامی به صبر و ایستادگی، پشتوانه‌ها و منطق این صبر را نیز تبیین کرده است. از نظر قرآن، جامعه اسلامی باید مقاومت کند؛ چون آن‌ها در مسیر حق قرار دارند و از این‌رو این مقاومت یک مقاومت ارزش‌مدارانه است و سرانجام آن نیز نصرت الهی خواهد بود: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (روم، ۶۰). در این آیه، خداوند متعال در حقیقت قطعی و مسلم بودن وعده نصرت الهی را پشتوانه و منطق مقاومت جبهه حق قرار داده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۳۸/۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۸۹/۱۶). منطق دیگری که آیت‌الله خامنه‌ای برای مقاومت برمی‌شمرد، قدرت مقاومت در عقب نشانیدن دشمن است: «مقاومت موجب عقب‌نشینی دشمن می‌شود، برخلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور می‌گوید، اگر شما یک قدم به عقب برداشتید، او جلو می‌آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید، این است که شما بایستید... این هم یک بخش دیگری از این منطق» (بیانات در ۱۳۹۸/۰۳/۱۴). این گزاره نیز مرجع قرآنی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا

يَضْرُكُمُ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل‌عمران، ۱۲۰). مبتنی بر این آیه، صبر و مقاومت این اثر را دارد که جبهه حق را در برابر کید جبهه باطل، مصونیت ببخشد.

نتیجه‌گیری

معناشناسی دقیق اصطلاحات قرآنی از خصوصیات روش فهم قرآن در سیره تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای است. مرجع اصلی و اولی در این معناشناسی، خود قرآن کریم و احصاء موارد استعمال اصطلاحات در سراسر آیات قرآن می‌باشد. توجه به مفاهیم هم‌نشین، معارض‌ها، سیاق آیات و کشف اصل معنایی در کتب لغت از مؤلفه‌های مؤثر در تبیین معنای دقیق اصطلاحات قرآنی مطابق با فرهنگ قرآن است. تبیین دقیق معنای «باطل» توسط آیت‌الله خامنه‌ای، براساس همین روش صورت گرفته و ضمن اشتراکاتی با معانی ارائه‌شده توسط اصحاب لغت و مفسران، تفاوت‌هایی با آن‌ها دارد. در نگرش ایشان، باطل یک هویت صرفاً وابسته دارد و جلوه آن در عالم خارج، وابسته به این است که حق ظهور تام نیافته باشد. استعاره قرار دادن رابطه معجزه و سحر برای تبیین روابط حق و باطل توسط آیت‌الله خامنه‌ای، روشن می‌کند که به محض ظهور و فعلیت حق، باطل به‌طور خودبه‌خودی مضمحل و غیرواقعی بودن آن آشکار می‌شود. در این دیدگاه، فعلیت حق به پشتوانه تلاش و مجاهدت امکان‌پذیر است و اگرچه باطل طبیعتاً محکوم به فنا می‌باشد، تا هنگامی که حق ظهور و تحقق نیابد، جلوه باطل از بین نمی‌رود. مبدأ بسیاری از گزاره‌هایی که در اندیشه سیاسی و اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد، مبادی ارزش‌شناختی‌ای است که ایشان به‌واسطه مرجعیت قرار دادن قرآن در تبیین حق و باطل به‌دست آورده‌اند. این مبادی به خلق گزاره‌های بسیار مهم و راهبردی در سه عرصه عمده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منجر شده است. در عرصه اجتماعی می‌توان سه مؤلفه «پیشرفت»، «قدرت» و «مقاومت» را از کلیدی‌ترین مؤلفه‌هایی دانست که به پشتوانه دلالت‌های مفهومی حق و باطل، در نظریه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای سامان یافته‌اند. معناشناسی باطل در اندیشه ایشان و فهم دقیق نسبت آن با حق، نقش منحصر به فرد مرجعیت معرفتی قرآن در نوع حکمرانی ایشان را نشان می‌دهد.

منابع

فارسی

- قرآن کریم.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۳)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ دوم، تهران: انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۹۶)، تفسیر سوره براءت، چاپ دوم، تهران: انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۴۰۱)، تفسیر سوره حمد، چاپ اول، تهران: انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۴۰۰)، تفسیر سوره مجادله، چاپ هفتم، تهران: انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۹)، جلد سیزدهم، صحیفه نور، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، جلد یازدهم تسنیم، تحقیق: سعید بندعلی، چاپ دوم، اسراء: قم.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵)، الصافی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، چاپ دوم، قم: دار الهجره.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، چاپ دوم، قم: هجرت.
- قرانتی، محسن (۱۳۸۳)، نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا.
- زمخشری، جارالله، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.